

بیانات در دیدار هزاران نفر از زنان و دختران - 12 / آذر / 1404

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصلّاة و السّلام على سيّدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمّد و على آله الاطيبين
الاطهرين المنتجبين سيّما بقيّة الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید همه‌ی بانوان محترم، بخصوص خانواده‌های شهیدان عزیز، و بالاخص خانواده‌های شهدای اخیر که مظهر اقتدار کشور و مظهر اقتدار جمهوری اسلامی بودند. و تشکر از خانمهایی که اینجا بیاناتی بیان کردند؛ هم پُرمغز و پُرمعنا بود آنچه اینجا گفته شد - چه همسر شهید رشید و مادر شهید [امین عباس] رشید و چه صبیّه‌ی شهید سلامی - هم از لحاظ مضمون و معنا حاکی از یک ذهن روشن و فکر بلند در این بانوان و در مجموعه‌ی بانوان فداکار کشور بود، هم از لحاظ متن بسیار زیبا و شنیدنی بود؛ خیلی متشکرم از همه‌ی خانمها و بالخصوص از این خانمها.

این روزها مربوط به حضرت صدیقه‌ی طاهره (سلام الله علیها) است؛ من یک جمله‌ی کوتاه درباره‌ی آن بزرگوار عرض میکنم، بعد هم درباره‌ی مسئله‌ی زنان و مسئله‌ی زن - که امروز مسئله‌ی مطرحی در دنیا است - چند کلمه‌ای عرض خواهم کرد.

درباره‌ی حضرت زهرا (سلام الله علیها)، فضایل ایشان را [اگر] بخواهیم بشمریم، حدّ و حصر ندارد. اگر بخواهیم در یک جمله این بزرگوار را معرفی کنیم، باید بگوییم انسان عرشی، انسان کامل، مثل بقيّه‌ی معصومین؛ انسانند، اما اهل عرشند. ما فرشی‌ها، زمینی‌ها، قادر نیستیم رتبه و مقام و نورانیت اینها را ببینیم یا حتی به آن چشم بدوزیم؛ مثل انسان که در مقابل خورشید نمیتواند مستقیم به خورشید نگاه کند. حدّ فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) این حد است. در همه‌ی ابعاد زندگی، یک موجود عرشی است، یک انسان عرشی است؛ چه در عبادت و خشوع در مقابل پروردگار - که شنیده‌اید عبادت‌های ایشان را، مناجات‌های ایشان را در شبها، دعای ایشان را برای دیگران - چه در ایثار و گذشت برای مردم؛ یعنی آن که غرق در معارف الهی و معنوی و توجّه به خدا است، از زمین غافل نیست، از انسانها غافل نیست. در شب عروسی، لباس عروسی خود را به سائل، به فقیر میبخشد؛ سه روز غذا نمیخورد و افطاری خودش را به سائل میبخشد؛ به مردم رسیدگی میکند.

در تاب‌آوری در سختی‌ها و مصیبت‌ها؛ چه کسی است که بتواند تاب بیاورد و طاقت بیاورد مصائب حضرت زهرا (سلام الله علیها) را؟ در این زمینه هم ایشان یک انسان آسمانی است، یک انسان عرشی است. در دفاع شجاعانه از حقّ مظلوم؛ در تبیین حقایق و روشننگری؛ در فهم و عمل سیاسی. ببینید، اینها همه خصوصیات فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است. به عنوان یک زن و دارای جنسیت زنانه، در خانه‌داری، در شوهرداری، در فرزندپروری؛ کسی مثل زینب را پرورش میدهد و به وجود می‌آورد، کسی مثل امام حسین و امام حسن را در آغوش خودش تربیت میکند. حضور در جایگاه‌های غیر قابل فراموشی در تاریخ؛ حضور در شعب ابی‌طالب، حضور در هجرت به مدینه، حضور فعال در برخی از غزوات پیغمبر، حضور در ماجرای مباحله. اینها یک فهرستهایی است که تمامی ندارد؛ فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) به این خصوصیات آراسته است و تمامی ندارد. به طور خلاصه اگر بخواهیم بگوییم، همان که خود پیغمبر فرمود: سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ سرور زنان جهان. طبق روایت، از پیغمبر اکرم پرسیدند که این جمله درباره‌ی حضرت مریم آمده که «سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»؛ فرمود: مَرِيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا؛ (۲) او سرور

زنان زمان خودش بود – زنان عالم [خودش] – اما فاطمه سرور زنان همه‌ی عالم است در همه‌ی دورانهای تاریخ. این فاطمه‌ی زهرا است. شما درستان را از چنین شخصیتی میگیرید، خودتان را به سمت چنین شخصیتی حرکت میدehید، هدف را از چنین شخصیتی میگیرید و دنبال میکنید؛ اینها آن نقاطی است که زنان جامعه‌ی ما، زنان کشور ما بحمدالله به آن توجه دارند و باید داشته باشند. این راجع به حضرت زهرا (سلام الله علیها).

اما در مورد موضوعات مربوط به زن، که امروز در دنیا هم این مسائل مطرح است و علت هم جفاهایی است که صورت گرفته و الان صورت میگیرد. تصوّر من این است که در بین موضوعاتی که در مورد جنس «زن» باید مطرح بشود، دو موضوع مهم‌تر از همه است: یکی «شان زنان» و دیگری «حقوق زنان»؛ اینها باید مطرح بشود.

شان زنان در اسلام خیلی شأن والا و بالایی است. شاید متریقی‌ترین و بهترین تعبیرات و سخنان را درباره‌ی زن و بهترین مفاهیم را در مورد هویت و شخصیت زن، ما در قرآن پیدا میکنیم؛ مثلاً من اینجا یادداشت کرده‌ام:

اولاً نقش پدید آمدن حیات بشر و تاریخ بشر از مرد و زن: برابری مرد و زن. اِنَّا خَلَقْنَاكَم مِّنْ ذَكَرٍ وَ اُنْثٰی؛ (۳) یعنی در خلقت این سلسله‌ی بشری – که چندین هزار سال سابقه دارد و خدا میداند تا چندین هزار سال دیگر لاحق (۴) خواهد داشت – مؤسس این تشکیلات یک مرد و یک زن است؛ یعنی بنا بر تعبیر قرآن، زن نیمی از تأثیر حیات بشریت را به خودش اختصاص داده.

[ثانیاً] در مورد تکلیف عمومی؛ خداوند متعال انسانها را خلق کرده است برای یک هدفی، برای رسیدن به یک رتبه‌ای؛ در این زمینه هم مرد و زن در منطق اسلام یکسانند، بدون هیچ گونه تفاوتی. وَ مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ اوْ اُنْثٰی وَ هُوَ مُؤْمِنٌ؛ (۵) تأثیر عمل صالح و ایمان در مرد و در زن یکسان است و میتواند اینها را نجات بدهد، که در چند آیه‌ی قرآن [آمده]؛ حالا این آیه‌ای که من خواندم در سوره‌ی نساء است اما در آیات متعدّد دیگری همین معنا ذکر شده.

ثالثاً در دستیابی به کمالات معنوی و ابزارهای آن. وقتی که زن مانند مرد به ایمان و عمل صالح اتصاف پیدا کرد، دسترسی او به کمالات معنوی و عالی‌ترین مقامات آسان خواهد شد و راه برای او باز است. ببینید! همه‌ی این نکات و این حرفها در مقابل بدفهمی‌هایی است، چه از سوی کسانی که دیندارند اما دین را نشناخته‌اند، و همچنین از سوی کسانی که به اساس دین اعتقادی ندارند. در سوره‌ی مبارک احزاب [که میفرماید]: «اِنَّ الْمُسْلِمِيْنَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْقَانِتِيْنَ وَ الْقَانِتَاتِ وَ الصَّادِقِيْنَ وَ الصَّادِقَاتِ وَ الصَّابِرِيْنَ وَ الصَّابِرَاتِ وَ الْخَاشِعِيْنَ وَ الْخَاشِعَاتِ وَ الْمُتَصَدِّقِيْنَ وَ الْمُتَصَدِّقَاتِ وَ الصَّائِمِيْنَ وَ الصَّائِمَاتِ وَ الْحَافِظِيْنَ قُرُوجَهُمْ وَ الْحَافِظَاتِ وَ الذَّاكِرِيْنَ اللّٰهَ كَثِيْرًا وَ الذَّاكِرَاتِ»، (۶) همه‌جا مرد و زن در کنار هم [آمده]؛ ده عنوان درجه‌ی یک و یکسان برای مرد و زن به عنوان بندگان خدا، بندگان مؤمن. کسانی که با این خصوصیت هستند، مورد لطف خدا، مورد عفو خدا، مورد توجه الهی و لایق رسیدن به مقامات عرشی و معنوی و الهی هستند.

در حقوق متقابل با مرد، در سوره‌ی مبارکه‌ی بقره [آمده] است: وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ؛ (۷) اینها منطق قرآن است. ببینید، چه جور و چگونه مابین زن و مرد به عنوان مؤمن، به عنوان انسان، به عنوان یک فرد متعالی تساوی کامل برقرار میکند! از نظر اسلام زن میتواند در فعالیت اجتماعی، در کسب و کار، در فعالیت سیاسی، در بیشتر مناصب حکومتی، در همه‌ی عرصه‌های زندگی فعال باشد. آن چیزی که فرهنگ منحط فاسد غلط غربی از زن دارد ارائه میدهد – که بعداً اشاره خواهم کرد – مطلقاً در اسلام مردود است؛ [در اسلام] زن این [جور] است؛ با این معانی بلند، با این رتبه‌های عالی، با این زمینه‌های پیشرفت در عالم مادی زندگی میکند و در عالم معنوی سیر و حرکت میکند.

از جمله نکاتی که در اسلام در مورد زن وجود دارد، مسئله‌ی محدودیتهایی است در ارتباط با مرد. این برابری‌ها [که ذکر شد] هست اما محدودیتهایی هم وجود دارد در ارتباط زن و مرد که این از خصوصیات اسلام است. این هم در فرهنگ منحنی غربی مطلقاً مورد توجه قرار نگرفته؛ علتش هم معلوم است. علت این است که کشش درخواست‌ها و خواهشهای جنسی، کشش بسیار قوی‌ای است؛ بایستی آن را مهار کرد و اسلام توانسته با احکام خودش [آن را] مهار کند. اگر چنانچه به آن احکام عمل نشود، این بی‌مهری همان کاری را خواهد کرد که امروز در غرب کرده که می‌شنوید و از باندها و تشکیلات فاسد در آمریکا و در اروپا و در عمده‌ی کشورهای غربی اطلاع دارید. پوشش زن و مرد از این قبیل است؛ از آن محدودیتهایی است که وجود دارد، هم [برای] مرد و هم زن. مسئله‌ی پوشش، تنها مربوط به زن نیست. حجاب زن از این قبیل است؛ فواصل جسمی میان زن و مرد از این قبیل است؛ تشویق به ازدواج از این قبیل است؛ اینها همان چیزهایی است که آن عامل خطرناک و خطرزا را مهار میکند.

خب، شأن زن در فرهنگ اسلام منطقی است؛ اولاً شأن بسیار والایی است که من فقط یک اشاره‌ای کردم؛ ثانیاً کاملاً منطقی است؛ یعنی منطبق با طبیعت زن و منطبق با نیاز جامعه و منطبق با مصلحت جامعه است.

در نگاه اسلام، زن و مرد دو عنصر متعادل انسانی‌اند؛ کاملاً متعادل، با مشترکات بسیار زیاد و برخی خصوصیات متفاوت که بر حسب ساخت جسمانی، این خصوصیات با هم تفاوت دارند. این دو عنصر باید برای اداره‌ی زندگی و ادامه‌ی نسل بشر و پیشرفتهای تمدنی و نیازهای روحی – و نیازهای روحی! – نقش ایفا کنند؛ یعنی زن و مرد، دنیا را اداره میکنند، درون انسانی خودشان را هم اداره میکنند. یکی از مهم‌ترین کارهایی که اینها انجام میدهند، تشکیل خانواده است که متأسفانه در منطق غلط فرهنگ سرمایه‌داری و فرهنگ غربی، خانواده فراموش شده است. حالا یک اشاره‌ای بعد خواهیم کرد که حقوقی در خانواده وجود دارد؛ حقوقی برای زن، حقوقی برای مرد، حقوقی برای فرزندان؛ حقوق متقابل بین این سه عنصر: مرد، زن، و فرزندان.

خب، از همین‌جا راجع به مسئله‌ی حقوق زن [مطالبی عرض کنیم]. شأن زن را عرض کردیم.

در مورد حقوق زن، اولین حقی که برای زن باید در نظر گرفت، مسئله‌ی عدالت در رفتار اجتماعی و رفتار خانوادگی است. عدالت در جامعه، عدالت در خانه؛ این اولین حق زنان است؛ این باید تأمین بشود؛ این را همه موظفند تأمین کنند؛ دولتها و حکومتها هم موظفند تأمین کنند، خود آحاد هم همین‌جور.

حفظ امنیت و حرمت و کرامت زن، جزو حقوق زن است. بایستی کرامت زن محفوظ بماند. این منطق سرمایه‌داری خبیث، کرامت زن را از بین میبرد و پامال میکند. در اسلام، کرامت زن و احترام به زن یکی از اصلی‌ترین عناصر است. پیغمبر طبق روایت فرمود: الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ. بارها من این حدیث را خوانده‌ام، عمداً می‌گویم که این گفته بشود. «قهرمان» به کسی می‌گویند که کارگزار یک کاری است؛ فرض کنید یک نفری یک بوستانی دارد، باغی دارد، تجارتی دارد، به آن که کارها را جور میکند و زحمات را بر دوش میکشد، در عربی می‌گویند «قهرمانه». پیغمبر می‌فرماید: الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ. «ریحانه» یعنی گل؛ زن در خانه گل است. وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ؛ کارگزار خانه نیست که شما بگویید چرا این کار را نکردی، چرا آن کار را نکردی، چرا خانه تمیز نیست. رِيحَانَةٌ؛ گل است. گل را باید مراقبت کرد، باید حفظ کرد؛ او هم شما را از رنگ خود، از بوی خود، از خواص خود برخوردار خواهد کرد. ببینید! اسلام به زن این‌جوری نگاه میکند.

یک جا برای اینکه اهمیت عمل زن و فکر زن و راهی که زن می‌پیماید معلوم بشود، قرآن یک مثل عجیبی را می‌زند: وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ؛ (۸) یعنی خدای متعال برای مؤمنین یک نمونه، یک مثل، یک مثال،

یک شاخص، معین میکند که آن شاخص برای همه‌ی مؤمنین [است]، نه برای زنها فقط ؛ ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا ؛ برای همه‌ی مؤمنین شاخص معین میکند ؛ آن شاخص کیست؟ یکی زن فرعون، یکی «وَمَرْيَمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ» ؛ (۹) یعنی همه‌ی مردان عالم، همه‌ی مؤمنین عالم برای اینکه ببینند راهی که میروند درست است یا درست نیست، به این دو زن نگاه کنند ؛ ببینند اینها چه جور عمل کردند، چه کار کردند ؛ آن [مسیر]، راه نجات اینها است. نگاه اسلام به زن این است.

حقوق زن در جامعه محفوظ باشد ؛ تبعیض وجود نداشته باشد – امروز وجود دارد – امروز در بسیاری از کشورهای غربی دستمزد زنان از مردان در یک کار واحد، کمتر است ؛ امروز این جور است. این بی‌عدالتی محض است. مسئله‌ی ارزش‌گذاری برابر با مردان برای کاری که انجام میدهند – دستمزد – برابری امتیازات حکومتی با مردان، مثل حق بیمه برای زنان شاغل، بیمه‌ی زنان سرپرست خانواده، مرخصی‌های ویژه‌ی زنان و ده‌ها مسئله‌ی دیگر ؛ اینها باید رعایت بشود. این در جامعه.

در خانه، مهم‌ترین حقی که بانوی خانه و زن خانه دارد، «محبت» است. مهم‌ترین نیازی که دارد و مهم‌ترین حقی که دارد، محبت است. روایت وارد شده که مردها به زنهایشان بگویند من تو را دوست دارم ؛ یعنی تصریح کنند ؛ (۱۰) [با اینکه] او میداند. این اولین [حق].

حق مهم و بزرگ دیگر در خانه برای زنان، «عدم خشونت» است. حالا فرهنگ منحنّ غربی پُر است از موارد خشونت مردان بر زنان ؛ پُر است! کشته شدن زنان به دست شوهرانشان، کتک خوردن زنها به دست شوهرانشان در غرب وجود دارد ؛ این جزو مهم‌ترین انحرافات است. در یک داستانی – البته داستان است اما نشان‌دهنده‌ی یک واقعیت است مربوط به آمریکا – مرد می‌آید خانه و زنش را مفصل کتک میزند ؛ این[طور] است. ببینید، فرهنگ وقتی که رایج شد، [نتیجه‌اش] این است. کارهایی میکند، لجبازی‌هایی میکند، دهن‌جی‌هایی میکند که شاید شوهرش عصبانی بشود بیاید بزند [اما] فایده نمی‌کند، نمی‌زند. این فرهنگ وقتی رایج شد، به این صورت درمی‌آید ؛ نفی خشونت به هر صورت.

مدیریت خانه‌داری. رئیس خانه، مدیر خانه، زنان و بانوان خانه‌اند. کمک شوهر به زحمات ناشی از عوارض فرزندآوری. عدم تحمیل کارهای خانه به زن ؛ تحمیل نباید بشود. قدردانی از اینکه با وجود درآمدهای ناکافی، زنها خانه را می‌چرخانند ؛ ماها کمتر به این نکته توجه میکنیم. شما ملاحظه کنید، مرد مثلاً درآمد اداری ثابت دارد، اجناس گران میشود اما خانه می‌چرخد ؛ سر ظهر غذا حاضر است ؛ چه کسی این کار را میکند؟ کدام هنرمندی است که خانه را می‌چرخاند؟ حق دیگر، باز گذاشتن وسایل ترقی و پیشرفت، مثل تحصیل علم و بعضی مشاغل زنانه و امثال اینها. اینها اجمالی از دیدگاه اسلام نسبت به زن است. یک اجمالی است ؛ یعنی دیدگاه اسلام در مورد زن را اگر کسی بخواهد شرح بدهد، جایش یک جلسه‌ی نیم‌ساعته و یک‌ساعته نیست ؛ خیلی طولانی‌تر از این حرفها است. این اجمالی، چند کلمه‌ای که من [در این باره] عرض کردم.

نقطه‌ی مقابل، دیدگاه غربی است، دیدگاه سرمایه‌داری غرب است ؛ به معنای واقعی کلمه، نقطه‌ی مقابل [است]. در اسلام زن در حرکت و در پیشرفت استقلال دارد، توانایی دارد، عنوان دارد، هویت دارد ؛ در آنجا نخیر، هویت زن تابع هویت شوهر است ؛ شما یک نام خانوادگی‌ای دارید، ازدواج که کردید، دیگر آن نام خانوادگی کنار می‌رود، نام خانوادگی شوهر روی شما می‌آید! این یک علامت است، یک نشانه است ؛ هضم در مرد شدن، مغلوب هویت مرد شدن. تفاوت در دستمزدها ؛ عدم رعایت شرافت و حرمت زن ؛ به چشم وسیله‌ی مادی به زن نگاه کردن. به زن به چشم وسیله‌ی استفاده‌ی مادی نگاه میکنند – ممکن است فلان فرد اشرافی زنش را احترام هم بکند ؛ بحث سر او

نیست، بحث سر نگاه عمومی است – به عنوان وسیله‌ی هوسرانی به زن نگاه کردن. این باندهای خلافتکاری – که اخیراً در آمریکا سروصدایش زیاد بلند شده – به معنای این است دیگر؛ یعنی نگاه به زن، نگاه به یک وسیله‌ی خوشگذرانی است؛ یک ابزار است، یک وسیله است. این فرهنگ وقتی مسلط شد، خود آن زن هم نمی‌فهمد که شده ابزار؛ افتخار میکند. افتخار میکند!

تخریب بنای خانواده. یکی از مهم‌ترین گناهانی که تمدن و فرهنگ سرمایه‌داری غرب به وجود آورده، این است که بنای خانواده را تخریب کرده؛ خانواده به معنای یک جمع متصل به هم و یکدست و علاقه‌مند کمتر وجود دارد. من در یک کتاب خارجی خواندم که مرد و زن قرار می‌گذارند که مثلاً ساعت چهار بعدازظهر برای خوردن چایی، یک ساعت هر دو بیایند خانه و بچه‌ها میدانند که پدر و مادر در این ساعت در خانه هستند؛ اجتماع خانوادگی این است که مثلاً در ساعت چهار بعدازظهر آن خانم از سر کار بیاید، آن آقا از سر کار بیاید، آن بچه – پسر، دختر – هم بیایند، بعد هر کدام می‌روند دنبال کار خودشان؛ یا شغل دارند، یا کار دارند یا جلسه‌ی دوستانه دارند یا باشگاه دارند؛ مرتب هم نگاه میکنند ببینند ساعت پنج که مثلاً باید جلسه تمام بشود، شد یا نشد. این وضع خانواده در آنجا است! کودکان پدرشناس، کاهش نسبت‌های خانوادگی، تخریب بنای خانواده، باندهای شکار دختران جوان، ترویج روزافزون بی‌بندوباری جنسی به نام آزادی! شاید یکی از بزرگ‌ترین گناهان منطق و فرهنگ سرمایه‌داری غرب این است که این همه کار خلاف را انجام میدهد، اسمش را می‌گذارد «آزادی»! اغوا میکند، فریب میدهد، اسمش آزادی است. اینجا هم وقتی میخواهند همان فرهنگ را سرایت بدهند، می‌گویند داریم آزاد میکنیم! در واقع دارند در بند میکنند، دارند اسیر میکنند اما اسمش را می‌گذارند آزادی. این مشکل بزرگ مربوط به شأن زن و جایگاه زن در محیط جامعه و همچنین در محیط خانواده، به صورت فرهنگ درآمده؛ فرهنگ غلط و گمراه.

و البته سابقها و در قرون قبلی در اروپا به این شکل نبوده؛ اینها بیشتر در قرن اخیر و حول و حوش قرن اخیر شدت پیدا کرده و به این صورت درآمده و متأسفانه خودشان اصرارشان این است که این فرهنگ را به همه‌ی دنیا صادر کنند؛ اصرار غربی‌ها و سرمایه‌دارها این است که باید این فرهنگ صادر بشود. آن وقت استدلال هم برایش درست میکنند؛ می‌گویند: اگر چنانچه زن حجاب داشته باشد و این محدودیتها را برای خودش معین بکند، از پیشرفت بازماند! جمهوری اسلامی این منطق غلط را باطل کرد، زیر پا له کرد؛ در جمهوری اسلامی نشان داده شد که زن مسلمان و مقید، بانوی باحجاب و مقید به پوشش اسلامی، میتواند در همه‌ی عرصه‌ها پیشرفته‌تر از دیگران حرکت بکند. میتواند نقش‌آفرین باشد؛ هم در جامعه، هم در خانه. در سایه‌ی این نگاه در جمهوری اسلامی بعد از پیروزی انقلاب در بسیاری از عرصه‌ها بانوان ما، زنان ما، دختران جوان ما پیشرفت کردند؛ در آمارهای تحصیلی، در امور بهداشت و درمان، در امید به زندگانی، در زمینه‌های علمی و ورزشی، در پشتیبانی‌های جهادی. این خانم درست گفت؛ (۱۱) آن شهدای عزیز ما، بدون داشتن چنین همسرانی نمیتوانستند آن قدر در آن میدان مجاهدت، خودشان را مشغول کنند که به این سرانجام افتخارآمیز برسند؛ به شهادت. سختی‌ها را اینها تحمل کردند؛ اینها بودند که توانستند پشتیبانی‌های جهادی خودشان را جوری کنند، جوری با همسران مجاهد خودشان همراهی کنند که آنها بتوانند در قله‌ی جهاد قرار بگیرند.

آنچه امروز بانوان ما، زنان ما در مراکز فکری و پژوهشی در این زمینه‌ها توانسته‌اند به دست بیاورند، در تاریخ ایران بی‌سابقه است؛ بلاشک. ما هیچ وقت در ایران این تعداد زن دانشمند، زن متفکر نداشته‌ایم؛ این تعداد افرادی که میتوانند فکر پوینده ارائه بدهند، راهکار ارائه بدهند، نداشته‌ایم؛ هیچ وقت. نه که این مقدار نداشتیم، [بلکه] یک‌دهم این را هم نداشتیم؛ میتوانم بگویم یک‌صدم این را هم نداشتیم. جمهوری اسلامی بحمدالله با پیشرفت علم در کشور، در میان بانوان، بانوان را این جور امروز در دنیا بالا آورد؛ در عرصه‌ی علمی، در عرصه‌ی اجتماعی، در عرصه‌ی سیاسی، در عرصه‌ی ورزشی زنان ما بحمدالله جزو پیشروانند.

حرف آخر من این است: توصیه‌ی من به رسانه‌ها این است که مراقب باشند عاملی نباشند برای ترویج تفکر غلط غربی‌ها. رسانه‌های ما مراقبت کنند ابزار ترویج تفکر غربی و سرمایه‌داری باطل و غلط در مورد زن قرار نگیرند و ابزار آنها نشوند. وقتی راجع به حجاب بحث میشود، راجع به پوشش زنان بحث میشود، راجع به همکاری زن و مرد بحث میشود، این جور نباشد که رسانه‌ی داخلی جمهوری اسلامی حرف آنها را تکرار کند، حرف آنها را درشت کند و بزرگ کند. اسلام را ترویج کنید، نظر اسلام را بیان کنید. نظر اسلام نظر افتخارآمیز است. اگر چنانچه ما در میان خودمان و در مجامع جهانی این فکر را، این نگاه را، این نظریه‌ی بزرگ و کارساز را مطرح کنیم، قطعاً بسیاری از مردم دنیا به اسلام گرایش پیدا خواهند کرد؛ بخصوص بانوان، گرایش پیدا خواهند کرد. این بهترین ترویج اسلام است و امیدواریم که ان شاء الله همه‌ی شماها موفق به این کار بشوید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

- ۱) در ابتدای این دیدار، همسر سرلشکر شهید غلامعلی رشید (فرمانده قرارگاه خاتم الانبیا) و دختر سرلشکر شهید حسین سلامی (فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) مطالبی بیان کردند.
- ۲) امالی صدوق، مجلس هفتادوسوم، ص ۴۸۶
- ۳) سوره‌ی حجرات، بخشی از آیه‌ی ۱۳
- ۴) دنباله، ادامه
- ۵) سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۱۲۴
- ۶) سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۳۵؛ «مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان عبادت‌پیشه، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان شکیبا، و مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان صدقه‌دهنده، و مردان و زنان روزه‌دار، و مردان و زنان پاکدامن، و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد میکنند...»
- ۷) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۲۸؛ «... و مانند همان [وظایفی] که بر عهده‌ی زنان است، به طور شایسته، به نفع آنان [بر عهده‌ی مردان] است...»
- ۸) سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۱۱؛ «و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، خدا همسر فرعون را مثل آورده...»
- ۹) سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۱۲؛ «و مریم دختِ عمران را...»
- ۱۰) کافی، ج ۵، ص ۵۶۹
- ۱۱) اشاره به صحبت‌های همسر شهید غلامعلی رشید